

رفتارشناسی جنسی و مسئولیت امروز ما

پای صحبت حجت‌الاسلام دکتر مهدی عباسی

اشاره

کسانی که انسان را «موجود ناشناخته» معرفی کرده‌اند به بیراهه نرفته‌اند؛ و این علی‌رغم تنبغات فراوان علمی در حوزه‌های روان‌شناختی، جامعه‌شناختی، زبان‌شناختی و سایر ابعاد وجودی اوست.

این ناشناختگی در برخی لایه‌های پنهان و آشکار وجودی انسان، هنگامی راز آلودتر می‌شود که در فضای مه‌آلودی از باورهای فرهنگی بومی، برداشت‌های خاص از مفاهیم حیا و حرمت، ایجاد حساسیت‌های ویژه و تابو، بسسترهای خرافه‌گرایی و... در هم تنیده می‌شود. در ابعاد تربیت انسان، از نگاه صاحب‌نظران، حوزه «تربیت جنسی در ایران» دارای وضعیت پیچیده و غامض است. پرداختن به آن به دلایل تاریخی، اجتماعی، فقهی، و... شکل‌گیری این وضعیت، بحث‌های بسیار و میزگردهای تخصصی متعددی را می‌طلبد؛ که به ویژه، با توجه به چالش‌ها و شرایط نسبتاً بحرانی جامعه و نسل امروز، بسیار حیاتی است. «مجله رشد معلم» در این دوره، گام‌های نخستین را بر خواهد داشت و تلاش می‌کند برخی از زوایای تاریک روشن این مسئله را به کندوکاو بنشیند.

در این گفت‌وگو، به مسئله «چیستی رفتارشناسی جنسی» پرداخته شده است که دیباچه‌ای خواهد بود برای طرح سایر مسائل کاربردی در حوزه تربیت جنسی در آینده.



حجت‌الاسلام و المسلمین دکتر مهدی عباسی در سال ۱۳۵۶ متولد شد. تحصیلات حوزوی را در مقاطع: سطح یک، سطح دو، سطح سه و خارج فقه و اصول سپری کرده است.

تحصیلات دانشگاهی او نیز در سه مقطع کارشناسی، کارشناسی ارشد، و دکتری است. او کارشناس روانشناسی، کارشناس ارشد روانشناسی بالینی و دکتری روانشناسی از موسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی (ره) می‌باشد.

دارای شش جلد کتاب، هشت مقاله و سه طرح پژوهشی در حوزه‌های تخصصی و حرفه‌ای است.

وی در حال حاضر، عضو هیئت علمی پژوهشکده اخلاق و روانشناسی اسلامی پژوهشگاه قرآن و حدیث، عضو هیئت مدیره انجمن روانشناسی اسلامی، مدیر مرکز مشاوره و راهنمایی موسسه آموزشی امام خمینی (ره) و... می‌باشد.

◀ اگر اجازه بدهید با مفهوم رفتارشناسی آغاز کنیم.

درباره چیستی رفتارشناسی جنسی اول باید میل جنسی را معرفی کنیم تا بتوانیم رفتار جنسی را معرفی کنیم. میل جنسی، یا به تعبیر دقیق تر انگیزش جنسی، وابسته به چند عامل است: اول عامل آموخته شده یا تجربه هیجان جنسی در گذشته است؛ یعنی زمان‌هایی که فردی حالتی خوشایند و لذت بخش را در یک رفتار جنسی تجربه کرده است. عامل دوم نگرش نسبت به ابعاد مختلف رفتار و میل جنسی است، که با سبک و میزان لذت‌جویی افراد ارتباط

عواملی همچون جنسیت، شخصیت، تربیت، فرهنگ، عقیده، و به‌طور کلی موقعیت، قرار می‌گیرد و ویژگی‌هایی پیدا می‌کند که رفتارهای جنسی را، در افراد متفاوت، متمایز می‌کند. به‌عنوان مثال تحریک جنسی در زن و مرد ممکن است از مسیری واحد انجام شود اما می‌بینیم که شکل و هیئت رفتار جنسی در این دو جنس متفاوت است و یا در یک جنس مانند مردان، از دو فرد که تحت تأثیر یک منبع تحریک‌کننده قرار دارند دو رفتار جنسی متفاوت دیده می‌شود. این موارد نشان می‌دهد که از میل جنسی تا رفتار

دارد؛ عامل سوم نیاز جنسی است که بیشتر تحت تأثیر تغییر و تحولات هورمونی و ابعاد جسمانی میل جنسی است؛ و از همه مهم‌تر عامل چهارم انگیزه‌های بیرونی است و با محرک‌های جنسی در محیط و در ذهن فرد در ارتباط است. از این رو هنگامی که رفتاری جنسی انجام می‌شود این عوامل در شکل‌گیری آن دخالت دارند. اما سؤال شما درباره مفهوم رفتار جنسی است. هنگامی که فرآیند میل جنسی کامل می‌شود انتظار می‌رود که در پی آن رفتار جنسی بروز کند. اما، بروز این رفتار همواره ساده نیست؛ بلکه تحت تأثیر

جنسی عوامل پیچیده و متعددی تأثیر دارند که گاه شناخت همه آن‌ها به راحتی ممکن نیست به نظر می‌رسد، زمانی که صحبت از رفتارشناسی جنسی می‌کنیم باید این عوامل را بررسی کنیم. به عبارت دیگر رفتارشناسی جنسی به بررسی رفتار جنسی در دو بُعد انگیزش یا تولید میل جنسی و بُعد ویژگی‌ها و شرایط بروز رفتار جنسی قابل اطلاق است.

◀ نگاه قرآن کریم و منابع اسلامی در این باره چیست؟

از دیدگاه قرآن کریم و منابع اسلامی، مسیر طبیعی برای تحقق هدف مهم تولید نسل و بهره‌مندی از احساس شغف و لذت زناشویی، از سوی خالق، دستگاه جنسی است، بنابراین چگونه ممکن است لوازم آن از قبیل میل جنسی و پاسخ‌گویی به تمایلات جنسی مورد توجه قرار نگرفته باشد؟ قرآن بهره‌مندی جنسی زن و شوهر را در چارچوب ازدواج به شکلی که البته موجب اذیت دیگری و کار حرام نباشد توصیه می‌کند. مفاد آیه ۲۲۳ سوره بقره خطاب به زن و شوهرها این است که «هر زمان که دوست دارید می‌توانید بچه‌دار شوید. این مسیر تقوا و مسیر امیدواری برای ملاقات پروردگار است» اساساً تمتع جنسی و آرامش تن و روان نزد خالق مردود نیست، بلکه مورد توصیه است. از امام صادق علیه‌السلام روایت شده که هیچ لذتی برای مردم در دنیا و آخرت بیشتر از لذت جنسی نیست (اصول کافی، ج ۵، ص ۳۲۱) و این معنای همان سخن خداوند است که «محببت به امور مادی، از زنان و فرزندان و اموال هنگفت از جمله طلا و نقره و اسب‌های ممتاز و چهارپایان و زراعت، در نظر مردم جلوه داده شده است. این سرمایه زندگی مادی است و [البته] سرانجام بهتر نزد خداست» (آل عمران، ۱۴). البته، تمام این موارد در چارچوب ازدواج قرار دارد و خارج از آن ممنوع شمرده شده، به دلایلی که در منابع اسلامی ذکر شده، و در اینجا مجال بحث از آن نیست. در برخی روایات به زن و شوهران توصیه‌هایی شده است به این منظور که میل جنسی‌شان نسبت به یکدیگر ضعیف نشود و رفتارهای جنسی در شکل بهینه و کارآمد آن انجام شود به گونه‌ای که علاقه همسران به یکدیگر را بیشتر کند. بنابراین، در دیدگاه برآمده از منابع اسلامی، رفتار جنسی چه در سطح میل و چه در سطح بروز آن، به اشکال

مختلف و البته قاعده‌مند، قابل قبول و حتی مورد توصیه است.

◀ چه کسانی باید با این موضوع آشنا باشند؟ میزان آشنایی هر یک از عوامل مؤثر در تربیت چقدر است؟

به‌طور کلی همه افراد باید با رفتارشناسی جنسی آشنا باشند اما در چارچوب مناسب با سن، موقعیت و نقش خودشان. اینکه می‌گوییم «همه»، یعنی حتی کودکی که می‌تواند رفتار جنسی یا لوازم آن را بفهمد نیز باید آشنا باشد. اما همان‌گونه که مطرح شده میزان و چارچوب شناخت هر کس متناسب با سن و موقعیت زندگی و نقش او فرق می‌کند. به‌عنوان مثال، چارچوب و میزان آشنایی هر یک از گروه‌های کودکان زیر ۶ سال و ۶ تا ۱۱ ساله را به گونه جداگانه در حد تربیت جنسی می‌دانیم که این دو چارچوب تعریف خاص خودش را دارد؛ چارچوبی که میزان آشنایی آن‌ها را با موضوعات و مسائل جنسی تعیین می‌کند. از این رو گفتن هر موضوع یا مسئله جنسی، حتی اگر مثلاً کودکی ۹ ساله به آن مبتلاست یا با آن مواجه شده، به صلاح نیست، بلکه در دوره‌های تربیت جنسی این موضوعات و مسائل بیشتر باید مدنظر مربیان و والدین قرار داشته باشد تا در ساختار تربیتی مورد استفاده قرار بگیرد. برای مثال، نوجوانان ۱۶ سال به بالا نسبت به مطالبی باید آشنا باشند که نوجوانان زیر این سن لازم نیست آشنا باشند و چه بسا گاهی مضر باشد.

این موارد بر اساس روان‌شناسی رفتار جنسی با نگرش به منابع اسلامی منطقی دارد که در جای خودش قابل بحث است اما لازم است در این‌جا بدان تذکر داده شود.

◀ به عنوان مثال درباره «حرمت تن» یا «حیا» چه کسانی مسئولیت آموزش دارند؟ والدین؟ معلمان؟ و ...

باید گفت موضوعاتی مانند حرمت تن یا حیا در دوره‌های مختلف رشد کودک و حتی بزرگسالان به شکل‌های مختلف قابل طرح است که متولیان امر از والدین و مربیان گرفته تا دولت‌مردان در سطح برنامه‌ریزی کلان و طراحی ساختار اجتماعی مسئولیت دارند. والدین وظایف خاص خود را دارند. که با وظایف معلمان در مدرسه ممکن است متفاوت باشد. یک خانم معلم در مدرسه مطالبی را می‌تواند به دختران آموزش دهد که مادران آن‌ها

نمی‌توانند یا بلد نیستند. برعکس هم، در مدارس مطالبی نباید آموزش داده شود و در خانه آموزش داده شود. چون اگر در مدرسه گفته شود اثر مخرب دارد اما اگر همان مطلب را پدر خانواده، در ارتباط پدر - فرزندی و با پیگیری و کنترل آموزش دهد راه برای کنجکاو‌های لذت‌جویانه بسته می‌شود. این‌ها از جمله مواردی است که نیاز به کار کارشناسی و تعیین حد و مرز دارد. در این مجال فرصت نیست که ما به جزئیات آن بپردازیم.

◀ اگر با نگاه سلامت انسان‌ها از منظر قرآن به این موضوع نگاه کنیم، برای ارتقای آگاهی به چه نکاتی باید پرداخته شود؟

از دیدگاه قرآن و منابع اسلامی سلامت جنسی بشر دارای اهدافی است که خود دانستن آن برای افراد ایجاد بینش می‌کند. این بینش درمان‌کننده است و در حل مشکلات جنسی به ویژه خویشننداری جنسی مؤثر است. به عنوان یکی از نکاتی که در ارتقای آگاهی افراد تأثیر دارد اجازه دهید این اهداف را بررسی کنیم:

● **تداوم و سلامت نسل** از جمله مهم‌ترین اهداف اسلام در راستای سلامت جنسی است. بی‌بندوباری جنسی برای نهاد ازدواج و اهداف عالی آن از دو جهت تهدید محسوب می‌شود: اول، اینکه از دید نسل انسان را تهدید می‌کند؛ از این رو امیرالمؤمنین علی علیه‌السلام فرمود: خداوند به جهت حفظ نسل بشر لواط را حرام کرد. دوم، اینکه بی‌بندوباری جنسی سلامت و پیوستگی نسل بشر را به خطر می‌اندازد؛ به همین دلیل فرمود: خداوند به جهت محافظت از اصل و نسب مردم زنا را حرام کرد (شریف رضی، ۱۴۱۴، ص ۵۱۲).

● **دور ماندن از آسیب و فساد:** لذت‌جویی جنسی در فضای آزادی‌های غیرمنطقی قابل پذیرش نیست و توسط احکام روابط زن و مرد کنترل می‌شود. این احکام بر اساس مصالح و مفاسد تنظیم شده است. درباره رفتار جنسی از حضرت علی بن موسی‌الرضا علیه‌السلام در پاسخ به سؤالاتی از سوی محمدبن سنان نقل شده که خداوند متعال زنا را حرام کرد، زیرا منشأ فسادهایی می‌شود از جمله: قتل نفس، نامشخص شدن اصل و نسب افراد، ترک تربیت کودکان، از بین رفتن میراث و اموری شبیه به این‌ها (صلح، ۱۴۱۳، ج ۳، ص ۵۶۵).

● داشتن اطلاعات کافی: برای اینکه

پاسخ مؤثری به محیط زندگی و محرک‌ها بدهیم باید اطلاعات کافی داشته باشیم و آن‌ها را پردازش کنیم. در صورتی که اطلاعات داده شده به فرد مربوط به رویدادهای محیطی باشد، آموزش نامیده می‌شود. وقتی فرد اطلاعاتی پیدا می‌کند که به اعمال و تجربه‌های خودش مربوط است بازخورد نامیده می‌شود. در هر فرآیندی تنها با آموزش نمی‌توان به هدف کامل رسید. سیستم بازخورد نشان می‌دهد که ارتقای آگاهی افراد چه قدر بوده و چه قدر در تنظیم رفتار جنسی (مثلاً) تأثیر داشته است.

● نظام سنجش و ارزیابی: ما با

خودارزیابی، دیدگاهمان را درباره خودمان، زمانی که مشکلاتمان حل شده در برابر زمانی که مشکلاتمان باقی مانده است، مقایسه می‌کنیم. از خودمان می‌پرسیم کدام دیدگاه با ارزش‌های اصلی‌مان همسویی بیشتری دارد. زبان‌های تغییر نکردن و فواید تغییر کردن را بررسی می‌کنیم.

- اینکه من هنوز نشانه‌های مشکل را نتوانسته‌ام کاهش دهم، چه چیزی را در من نشان می‌دهد؟ چه چیزی را در زندگی‌ام نشان می‌دهد؟

- اگر بتوانم این نشانه‌ها را کاهش دهم، چه تأثیری در روحیه من خواهد گذاشت؟ و از جمله این سؤالات

● قصد عمل: از دیدگاه منابع اسلامی

نیت تعیین‌کننده عمل محسوب می‌شود. به نظر می‌رسد جهت‌گیری عمل در مسیر نیت و هدف دو اثر متفاوت دارد: شکل اول، مربوط به جنبه غیرمادی و معنوی عمل است که با پاداش، کیفر یا فقدان پاداش و کیفر عمل ارتباط دارد. شکل دوم، مربوط به جنبه روان‌شناختی اثر نیت در عمل است به گونه‌ای که رفتار فرد تحت تأثیر نیت شخصی وی تنظیم می‌شود. در ارتقای آگاهی افراد حتماً قصد و نیت صحیح باید مدنظر قرار گیرد. قبلاً گفتیم که چرا برخی مطالب در مسائل جنسی باید توسط پدر برای نوجوان مطرح شود، و نه در محیط آموزشی، چون فضای آموزش نسبت به افزایش آگاهی در مسائل جنسی، قصد نوجوان را تحت تأثیر قرار می‌دهد و مسیر را به کنج‌کاو یا لذت‌جویی انحرافی می‌کشاند. این معنای تأثیر قصد عمل در ارتقای آگاهی است. غربی‌ها کودکان خود را در حوزه مسائل جنسی آموزش می‌دهند

نه برای خویش‌تنداری و عفاف بلکه برای مصونیت از بیماری‌های مقاربتی. نتیجه را مقایسه کنید ببینید در این آموزش چه اتفاق خواهد افتاد. پس قصد عمل در رویکرد آموزش تأثیر دارد.

◀ روش‌ها و شیوه‌های آشنایی برای

سنین مختلف چگونه است؟

برای اینکه از روش‌ها و شیوه‌های آشنایی برای سنین مختلف صحبت کنیم لازم است چند عامل مؤثر در آموزش در کنار هم قرار گیرند تا مدل آموزشی را نشان دهند. در گام اول لازم است این مدل را بشناسیم. عامل اول، توجه به سطح تحول یا رشد مخاطب است. دوره تحولی یا رشدی افراد چگونگی آموزش و محتوا را تعیین می‌کند. از این رو، در کلان‌طرح پروتکل‌های تنظیم رفتار جنسی که در گروه روان‌شناسی اسلامی پژوهشگاه قرآن و حدیث قم در حال پیگیری است، بسته‌های آموزشی-مداخله‌ای برای سنین مختلف به‌طور متمایز طراحی می‌شود. ما برای پنج گروه در حال طراحی بسته‌های آموزشی-درمانی هستیم: گروه اول: کودکان مخاطب تربیت جنسی (قبل از ۱۱-۱۲ سالگی) گروه دوم: نوجوانان در معرض آسیب انحراف جنسی در دوره بلوغ (۱۲ تا ۱۶ سالگی) گروه سوم: افراد در انتظار ازدواج (۱۷ سالگی تا زمان ازدواج) گروه چهارم: مبتلایان به اختلالات و انحرافات جنسی و گروه پنجم: همسران در معرض تهدید به خیانت زناشویی.

دوره سنی کودکی از زمان تولد و چه بسا قبل از تولد شروع می‌شود و تا ۱۱-۱۲ سالگی ادامه می‌یابد. بنابر ویژگی‌های روان‌شناختی، در این دوره از زندگی تربیت جنسی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است، زیرا با وجود اینکه در این سنین کودکان به بلوغ نرسیده‌اند اما پایه‌های زیستی و روانی بلوغ در آن‌ها شکل می‌گیرد. تربیت جنسی نیز همگام با شکل‌گیری پایه‌های روان-بدنی تأثیر می‌گذارد. از این رو، چه بسیار اختلالات روان‌شناختی، از جمله اختلالات جنسی، که باید ریشه آن‌ها را در دوران کودکی پیگیری کرد. امروز در علم روان‌شناسی تقریباً به اثبات رسیده که تعدادی از اختلالات جنسی همسران ناشی از آسیب‌های روانی بوده که در دوران کودکی به فرد وارد شده است. سوء استفاده‌های جنسی یا دیدن صحنه‌های جنسی از جمله این آسیب‌هاست.

دوره کودکی را، بر اساس روان‌شناسی رشد و تحول کودک، به سه مرحله تقسیم می‌کنند. مرحله قبل از ۲ سالگی که احتمالاً تربیت جنسی کودک شامل مراقبت‌هایی است که از سوی والدین در رفتار خودشان باید صورت بگیرد. این اقدامات در مرحله دوم، یعنی ۲ تا ۶ سالگی، تداوم خواهد داشت و به علاوه آموزش‌هایی نیز در حوزه مسائل جنسی در سطحی رقیق اضافه می‌شود. اما در مرحله سوم، یعنی ۷ تا ۱۲ سالگی، اگر چه کودکان وارد نهفتگی در میل جنسی می‌شوند اما دو موضوع اهمیت دارد: **اول:** تربیت جنسی در برابر اثرات ناهوشیار و پایداری که در این مرحله معمولاً وجود دارد و **دوم:** مراقبت‌های بهداشتی که در اواخر این مرحله، زمانی که کودکان مشرف به بلوغ هستند، باید انجام گیرد. بخشی از این مراقبت‌ها شامل آموزش دختران است که از نظر ویژگی‌های بلوغ و رفتارهای اجتماعی جنسی نسبت به پسران سرعت بیشتری دارند.

عامل دوم: موقعیت محیطی-اجتماعی افراد. طبعاً تفاوت فضای خانواده با مدرسه اقتضا می‌کند محتوا و چگونگی آموزش متفاوت باشد. قبلاً مثال زدیم که این تفاوت چگونه می‌تواند باشد. عامل سوم: جنسیت مخاطب. دختر بودن، پسر بودن، زن بودن و مرد بودن؛ این‌ها به معنی عامل جنسیت است.

عامل چهارم: تفاوت‌های شخصیتی

و تربیتی در افراد. به عنوان مثال، به نظر می‌رسد قبل از آموزش جنسی در یک کلاس پرسش‌نامه‌هایی تنظیم شده و اجرا گردد تا آمادگی و اثربخشی این یادگیری در مسائل جنسی بررسی شود. این کار نیاز به یک تیم پژوهشی دارد که در این زمینه کار کنند.

عامل پنجم: نوع محتوای پیامی است

که در حیطه مسائل جنسی قصد انتقال آن وجود دارد

این موارد مدلی چند عاملی را به دست می‌دهد که در چارچوب آن مدل باید به تکنیک‌ها و روش‌ها و شیوه‌ها پرداخت. به نظر می‌رسد در کشورمان هنوز این مدل عملیاتی نشده است. به همین جهت در شناخت روش عجله داریم و گاه یک روش را یاد می‌گیریم و تمایل داریم این روش را در همه موارد یکسان خرج کنیم.

◀ از حضورتان در گفت‌وگو سپاسگزاریم!